

# قرن بیستم

صاحب انبیا و نویسندگان اساسی : ر . میرزا غنای

## مقتضای

بمناسبت انتخابات دوره پنجم

## آدمک های چوبی

و صنعت گران و صنعت باز زر دست  
موقع زمام داری خود و زمان انتخابات  
دوره حاضره عده از همین آدمکها  
جمع آن خصوصیات با هم و کلی  
مات ساخته و دست و پا و جمیع افکار  
و اراده آنها را به یک ریسمان ملی  
و بند مخصوص بسته از سوراخ  
گرسیهای پارلمان گذرانده و سر آن  
رشته را بدست نمائید دولت انگلیس  
سپرده که هر وقت آن ریسمان را آنها  
بخواهند بکشند و آن آدمکها از  
جای جفت کنند هر وقت نکشند  
آنها نشسته باشند  
اینرا هم بسکرم که قسمت اعظم  
مجلس را نمی توان در دیدن آدمکها  
فرض کرده ولی تک تک میان آنها  
از این آدمکها پیدا میشود  
میگردید  
حالا یکی از آنها را نشان میدهم

بخارهایی استفاده برای اطفال  
خورد سال روی یک چوبه خراش  
شدنی با سبزه با ارتفاع یک زرع یک  
آدمک کوچک چوبی درست میکنند  
دست های آن آدمک چوبی را طوری  
ترتیب میدهند که در موقع سکون  
به بالای چوب چسبیده و دست آن  
آدمک بحالت طبیعی متصل بر آن  
چوبه صودی ایستاده است  
شاه کاریک در این بازیچه بکار برده  
شده این است که در یک ریسمانی  
بدست و پای آن اسکات تخته بسته  
و از سوراخی که در بالای آن چوبه  
است میگذرانند و همین وسیله هر وقت  
آن ریسمان کشیده شود آدمک چوبی  
با کمال چابکی بر بالای چوبه جستن کرده  
و پس از رهگذر ریسمانی پایین  
می آید  
و توفی الدوله آن بجا رسد سیاسی

صفحه ۱۷

تفاتی - (پس از مدتی تفاتی) به تو چرا که می بینی  
چه که - آقا پس چرا کم  
تفاتی - تو که می بینی که مراد زده دیگر هست با من بزندان می آید  
تفاتی - بل تو را می آید با من آید  
تفاتی - پس بجز دارد

بچه کدا (با مقام) کدام من - کدام من - کدای  
بخوانم من - بسختی مبتلا من - تفاتی از حال زار من -  
تیمم بی کسم با با ندارم - آقا آقا پول یک کف نان  
تفاتی - [با مقام] بیام همراه من آیدون - از این  
و برانه شو بیرون - مکن گریه مشو محزون - که می آتی  
بکار من - غم نخورای بسر بابای تو من - بچه بیانی با من  
بزندان  
بچه کدا - (با مقام) غم نخوریم تیمم - با با ندارم -  
آقا آقا پول یک کف نان  
تفاتی (با مقام) شوی همراه شب و روزم - چو با با  
و تو دنوزم - نورا تفاتی آموزم - شوی در اختیار من

جناب آقای حاجی میرزا عبد الوهاب  
(آن خزانة گوشت) ایشان هر وقت  
بر میخیزند من یقین میکنم که آن  
ریسمان مخصوصی را کشیده اند  
اگر بخواهید آن ریسمان را به بیند  
آن ریسمان غیر صحت نیست ولی یک  
نمونه از آن ریسمان را ذیلا بنظر  
قرئین میرسانم  
سروامه رساله و پس منسول انگلیس هادر  
هدان به یکی از دوستان خودشان  
روین فنسول برطانیای  
هدان  
۲۶ شوال  
۱۳۳۸

خدمت جناب استاد دوستان از انظار میشتاق  
محترم میرزا آقای حاجی میرزا عبد الوهاب  
دامت برکاته  
پس از طی مراسم ابروت و مودت  
باطنی لازم آید بعضی استحضار خاطر  
شریف مشروحه ذیل را تصدیق و بعد از  
اطلاعات واسطه دوسه روز قبل مجلس از کلامه  
آقایان و خوانین معظم شهر تشکیل و جناب عالی هم  
در آنجا تشریف داشته آید و پس از  
مذاکرات جدی و بنا قرار شده و رای داده  
اند که نگرانیهایی به تقاضای رفع مزاحمت  
اغیار باستان اقدس شهر ریاری شاه ایران  
مختاره امامت اولاد دوسه دار از این حسن  
نیت جناب عالی و سایر اهالی شهر نهایت  
تشکر را دارم که اغلب اوقات وقت خودتان  
را صرف رفع ظلم اغیار میفرمائید البته  
این نوع اقدامات بسیار مفید و شرمند  
و ناشی از حدیث اهالی و رفع اغتشاشی  
از خود و همراهی آنها با اشخاصی که  
آدمک آنها را می نمایند خواهد بود چون  
میدانم که ممکن است در آینه برای طرح  
همین مذاکرات حساسی تشکیل شود و  
آینه جناب عالی هم تشریف خواهید داشت  
این است بعضی اطلاع خاطر جناب عالی  
و عموم طبقات محترم مردم اشعار میدارد  
که در چندین قبل موقعی که در بغداد جزئی  
اغتشاش از طرف بعضی اشخاص هرج و  
مرج طالب بی اهمیت شروع شده بود حضرت  
احول آقای میرزا حسن خان هم آن سالی عراق  
ایران و مجلس از طبقات اهالی بغداد  
بکمال داده و نزد ایشان در آن مجلس  
تفاتی فرموده و اشعار داشته اند که اهالی  
بغداد باید بخوابی مبروق باشند که نظامیان  
دولت فتنه انگیز فقط بواسطه تقاضای  
مجمع اتفاق مال عهده دار تشکیل حکومت  
آنها بین انورین شده و نماند و نمایانگی که

مناسفانه رخ میدهد برای خلائق جهانی است  
که ما نمیتوانیم با این آسانی حل کنیم  
مثلا مواج سزات مقصد ما در قبول حکومت  
آنها بین انورین اولاد بواسطه طول مدت  
جنگ بین اهالی و امتداد قبول امضاء صلح  
عمومی و قبول ماده صلح خصوصی با دولت  
عثمانی و غیره و غیره بوده ولی من امید  
دارم که دولت با این زودی ها موفق با اقدام  
مقصد خود بشود و آنها و مهم ترین چیزی  
که باید خاطر نشان آقایان نمود این است که در هر  
موقع دولتی با مملکتی قومیت امور جنبانی  
و غیره دولت و مملکت دیگری را بدهد  
خار شود اول و مهم ترین شرط آن این  
است که افراد و اهالی آن مملکت که قوم  
لازم دارند همواره در فکر اصلاح انتظامات  
امور مملکتی خود باشند و تقاضای  
که شمس ترتیب و نظم خود را داده  
و اسباب هرج و مرج مملکت خود را از دست  
بر وسیله مرتکب میشوند دولت دیگر  
چگونه میتواند قومیت شماره بدهد خود  
بگذرد و اول چیزی که برای اصلاح این  
است این مملکت خواهد بود که اسباب انتظام  
مملکت را بهر شکلی که ممکن است فراهم  
نموده و مجری دارد زیرا اهالی بغداد  
مخصوصا شورشیان باید بخوابی بدانند  
که تمام اقدامات آنها بر علیه اصلاحات  
امور وطن خود آنها خواهد بود فقط اسباب  
جزئی مطلق کار هموطنان محترم خودشان  
خواهد کرد بطور حتم بداند من اوضاع  
را قدری قیاس نموده و از نظامیان دولت  
فتنه تقاضای رفع این زحمت و غائله بنمایم  
بفورت بازنده قشون و قوا حاضر می نماید  
که هیچ قوه از بین انورین و اطراف  
آن طاقت مقاومت نداشته باشد و چاره گیری  
آزاد نشود لهذا بوسطه التیماتیم شما  
میکویم که یکی در سر جای خود راحت و آرام  
باشید و بعد در خیال اندامی بر علیه اوضاع  
کارتی باشید زیرا فقط ضرر و طسیران  
ان بخود شما و هموطنان محترم شمارا جمع  
خواهد بود و در آخر نطق خودشان فرموده  
اند دولت انگلیس قومیت بین انورین را  
فقط بواسطه تقاضای مجمع اتفاق مال بدهد  
و تک کفایت خود گرفته (باشندای باند و بعد)  
ببچه و چون انورین امکان ندارد که دولت  
توفیق کند در بین انورین دارد بیرون ببرد  
مگر موفق که توافق مجمع اتفاق ملی را  
راضی و قانع نمایند که دیگر بین انورین  
احتیاجی بوجود و حضور قوم ندارد و خود  
بنده ای میتوانم حکومت خود را اداره  
نمایم و این مسئله هم ایضا ممکن نخواهد  
شد زیرا که بین انورین همواره تا مدت  
بسیار مصلحتی محتساج بر وجود

مربی خواهد بود این فوق را در نیم ماه  
چون قریبکی ۱۹۲۰ در چهل و چهارم قبیل  
در بغداد و حضور هموم اشراف بغداد  
فرموده اند در ستانته نقاضا دارد هرگاه  
تا گون نگرانی طهران بخاربه فرموده و  
بنا بر این امید سوادان را حجه دوست دار  
ارسال دارند که دوستدار هم عین آن را  
با انگلیسی ترجمه و طهران بخاربه  
جناب وزیر مختاره دولت فتنه انگیز ارسال  
خواهم داشت بدین وسیله مودت و درستی  
صمیمانه خود را تجدید می نماید (قوسول و  
حاکم سیاسی دولت فتنه انگیز مقیم همدان)  
عرض از قریب کویا روسها است ملام  
میشود که انگلیسها خود شان را با ما  
نمیدانند بلکه خودمانی میدانند یا شاید فقط  
با آقای حاجی میرزا عبد الوهاب خودمانی  
هستند  
باری از این رساله چنین فهمیده  
میشود که در کایه تقاضای از فنسول گری  
و با سفارت باقی حاجی میرزا عبد الوهاب  
دستور داده میشود و تمام نشست و  
برخواست جناب ایشان متوط با سر  
و نهی نمایند که دولت انگلیس است  
ایرانیها  
اینهمه همه نتیجه دوسال زمامداری  
و توفی الدوله است  
ایرانیها  
فکر بکنید به پیشه چند شرم  
آورد است که وکیل و نماینده یک  
مملکت در امور جهانی رای خود را سیر  
اراده یک دولت دشمنی بدارد  
گذشته گذشته است  
ایرانیها  
برای دوره پنجم در فکر باشید  
لا اقل کاری بکنید که این قبیل مزدور  
ها داخل مجلس نباشند  
همدانیها  
رساله فوق را بخوانید و فهمید  
که چه آدمی نام و کالت و نمایندگی از طرف  
شما در مجلس شورای طهران نشسته است  
در صورتیکه روح عموم اهالی همدان از  
این مرد مزجر است و ایشان در حقیقت  
وکیل پسر فرمانبرما سالار لشکر  
هستند  
(غدا با این رحم کرده و بمحافظه  
این قبیل اشخاص در مجلس نآن اندازه

که انکس ها انتظار در شنبه بعد پیدا کردند و نه نفوذ و گرنه ایران جزو هندوستان شده بود.

هدایا همشهر بهای عزیز برای دوره پنجم مجلس دیکرین آقای انکس را در نظر نگیرید.

همدان کهواره با باطاهر و تبرستان بو علی است.

برای دوره پنجم مجلس کسی را انتخاب کنید که وقتی گفتند این مرد نایبدهد همتای تیران گفت که این مرد همشهری بوعلی سینا و باطاهر صریح است دیگر کسی را انتخاب نکنید که بنده و بسنی نامفانت اجنبی داشته و در حکم آدمک چوبی بوده و از خود اراده نداشته باشد.

امیرزاده هشتی

**آقای قوام السلطنه**

جواب شما را جمع به سوال سید حسن سبط الشیخ شماره قبل خواندم مزاحله ای که از آقای سید حسن سبط الشیخ در آن گنجانده بودید حقیقتا اگر صحت داشته باشد قابل تالیف است شاید حسن خودش اداره آمد و شرحی در تکذیب آن مکتوب آورده بود که درج کنیم.

من بایشان گفتم که اگر شما هجر کاغذی به قوام السلطنه نوشته اید عرض حال به ما بدهید و ادعای شرف کنید که ثابت گردید که آن کاغذ را خود قوام السلطنه ساخته است و ایشان محکوم شدند اذ وقت ما میدانیم که با قوام السلطنه چه بکنیم.

باری اگر واقعا آن کاغذ واقعیت ندارد من عرض میدم حسن شرمندگی ولی چندان یک آقای با عمامه و عبا با نظرات بر از حرارت و عرق اسلامت با تازه بی آید و یک لواچی بامیدهد تمام ایشان را صالح دانسته چاپ میکنند.

پایین از اینکه او هم مثل سرکار عالی برای پول کار میکند و آن چیز هارا می نویسد که بوسال پولی برسد اری این قبیل اشخاص روز روز زیاد میشود.

ولی تصدیق بفرمائید که اینهم تقصیر شماتت تقصیر شما و برادر خان شما و ثوق الدوله است.

و ثوق الدوله آن شعار بزرگ الهیای فساد اخلاق مردم چین فهماند که باید برای ول کار کرد باید عقیده و جان منک را فدای پول کرد در اثر همین تعلیمات شما دو برادر بفرموده و بفرموده و بفرموده غالب عناصر دسته جات سیاسی پولگی شدند و غالبی را هم که پول ندادند و پول به نکارش خیانت می خورد شما شدند تا بدین وسیله شما را بچپور کنند که پولی بانها بدهید تا ساکت شوند.

من چاه دو هفته قبل که لایحه بر ضد شما با دربار رسید ما آری چاپ کردم امضای آن لایحه مدیر بدل بود طولی نکشید دیدم روزنامه بیدار بقلم مدیر اقدام حمایت شما بیرون آمد.

من از شست غیظ و تمجب بزرگ بود سکت بکنم که لایحه روز او روز نامه ما چه بود و روز نامه امروز او چیست.

ولی این را هم خودتان تصدیق کنید که شما اگر مرنگ به خیانت عقیده نمیشدید مردم برای اخذ پول به شما حمله نمی کردند چرا سید حسن سبط الشیخ و مدیر روز نامه بیدار بر علیه مشیر الدوله برای خد پول چیزی نمی نوشتند.

ولی اینرا هم بدهند که مدودی بد بخت بری کلاشی بشما حمله میکنند اما سارن و مخالفین بر جبه شما از روی عقیده بر علیه شما هستند.

راست میگویند از سابقان میرزا که رزقترین مخالف شما هستند و چون مکتوبی ارائه میدهند.

راست میگویند از من که آرزویند مرگ برادر شما و ثوق الدوله و پیشنها کنند بید شما هتمه و چو مکتوبی ارائه میدهند.

نوشته بودید که برای رفع شبهه مدیر قرن بیستم در ایام که من پول خرج میکنم مکتوب سید حسن را بنظر مردم میرانم.

آقای قوام السلطنه اگر انصاف دارید از آن انصاف شما سوال میکنم اگر شما پول خرج نکنید یکساعت می زاید در این شهر توقف نمائید.

شما بدون خرج کردن ممکن است رئیس الوزرا بشوید.

وقتی رئیس الوزرا شدید بدون خرج کردن ممکن است یک هفته کابینه شما دوام بکند.

آقای قوام السلطنه من اشتباه نکرده ام شما پول دارید و پول هم خرج می کنید و آن پول هاهم از ازی بدین شمارشده است از مابه مالکت دزدیده اید و طرفداران دزدی خردن هم از آن پول همیشه دادند اید و میدهند و اگر ندهید یک روز دوام نخواهید کرد.

آقای قوام السلطنه مدیر قرن بیستم اشتباه نمیکند.

مدیر قرن بیستم

**اخبار و حتم**

مرمت و تکمیل کابینه از قرار اطلاعاتی که با دربار ما رسیده در این دوسه روزه آقای رئیس الوزرا مشغول مطالعه در اطراف کابینه بودند و در ظرف همین دوسه روزه بقیه اعضای کابینه خود را بمجلس معرفی خواهند فرمود.

**تلکراف از عرق**

توسط آقا شیخ محمد حسین خوارساری مقام مقدس امامت ما در تهران عالی شریف الدوله موجب افراشتن مشارالیه در پیشه

مدیر (۶) بجه مجلس مقدس شوری - بجه شقی سراج بجه سواره و قرن بیستم بجه حزب دموکرات دامت عظامت از حکم شیهه قافی استهتاف بر له سمد الدوله و امین انجاز میدهند بجه توفد مانع از اجراء حق بنده زبرا حبس نمودن شیخ رضا وکالت نامرا بدون حضور مرحومه و کب الدوله موجب افراشتن مشارالیه در پیشه

شبه پنج استنطاق من زری معلوم دانیل عظیم مالکیت کویت الدوله در آلا ده سه دانگ وقت دو دانگ سیدعلی نتایج مقدم واضح نهاد منسوب بنده قبل از ایجاد عقد دعوی طرف مالکین ضمانت عالم بجه اصرار غیر جایز دعوی اجاره قبل از فوت دعوی مالکیت می خورد و ادله فوقی بر اثبات ذمه امرا حاصل نه و ادله اولی از طرف مالکین گرفته نه خودم راضی نشوید شر فرانش سمد الدوله امین التجار و زور وزیر عدلیه بر حسب سقوط همتی نظاری کرده (امضاء سالار حشمت)

**بروجره**

امینت از هر جهت برقرار از افتتاح میرزا رفیق عدلیه بواسطه شکایات اهالی و تلکرافات بمرکز از سوء عملیات مشارالیه از شغل خود منتهل و بطرف ملایر حرکت نمودند از قراول معلوم کنایات عدلیه آنجا را در نظر گرفتند.

**راپورت از عباس آباد**

در دو ساعت بیرون در کوه های اطراف باقری تکرک آمده که بعد از نیم ساعت عظیم اسدات و از اطراف توه جارین شد اهالی سباز بظرب الحیدر الله غوث بخوبی گذشت قویان نایبین عدلیه

سعدای خان رئیس جدید عدلیه مشغول تهیه اثاثیه و تقیر اجزاء بوده منزلی در خیابان علی آباد کزله از هم طریقات دور و نزدیک برای افتتاح عدلیه جدید تشکیل پس از طبق راجع بقانون عدلیه از طرف حضار مجلس تشکر بعمل آمد.

**ملار**

دیروز شاهزاده مجال الدوله شکران که برای خانم بریشالی از منابع شخصی اجازه چیل و زمزمه می حامل و عازم طهران شدند مشغول تودیع به آقایان فوق الذکر محرم اهالی از پیش آمدها غیر منتظره ایشان تمام و ملار در حرکت ایشان بی اندازه متأسف میباشد.

در فشنه یک فرسخی منزل ظهر اب خان مشی را سرفق میمانند و قذاری کدم و بیابان برده اند از طرفت چکر مکت ساوج ایلخ مایور برای دستگیری و کشف آن فرستاده تا اکنون سارق دست نیامده است.

**تجمع کان جمع آوری تخم مرغ**

بسی نام پسو رجب حجابی شازرد آقا عبدالقادر عطار در قریه (فرسج) به منظور ثبت اینکسب شایسته زرافات داشته آقای سید ابوالیونس ایچکم استرادی و ولایت ملکیت از قاری از قریه مزبور آن بی چاره را چاپ و در محکم بفرستادن زلف های او نمائید سپس مشارالیه را با زلف تراشیده برهنه و از حامی از عابا سوار الاغ کرده با قاری حاکم که متعلق خود اوست بفرستند.

آقای حجاب الملک هم از آن باد کازهای عیال بریست هستند که هنوز آلاهیست عیال و سرداری هشتاد سال قبلشان را می پوشند و رفته رفته سرها با آفتک میباشند یکی از ایشان برسد که از کسی یازن محرم سرو کاری داشته باشد شریعت مجلس اسلام یک مجازات محسوسه بر او نازل نموده که پس از آنکه با ترتیبات مفصلی

شم غورای بسر بابای تو من - بجه میسایه با من بزنجان بجه گدا - (با مقام) بیستم بی کسم بابا ندارم - آقا آقا پول یک کف تان

فتانی - (خطاب به فرمانی) ای متهدی کرلانی این توه با شیا چه نسبی دارد

فرمانلی - (با مقام) هلا ای مرد با ایمان - همین طغای که بیی هنان - کزو باشد به ده تومان - شام اعتبار من

فتانی - بطور بطور مکر انسان را هم گزور فرماید مثل این گزور نمی شود مکر انسان ساعت است که گزور بکند و بد فرمانلی - غرب هر کس لازم داشته باشد ده تومان میدهد و میرود در روز یکی از عزیزین زایش شده بود همت و ثبات بدهد و به برد من نادم -

فتانی - بسیار خوب من این ده تومان را می دهم و بوه را بیستم بجه آنکه بدرد من پیشتر خواهد خورد (ده تومان ده دست بوه را می برد) فرمان ملی - (با اشاره و آهسته بجه گدا می گوید) ها بیستم چه میکنی - همان بام من بر روی بیستم چه چه سواری منی لغت اینتر میگویند -

فتانی - چه گفتی؟

ع ۱۰۰۰ شده تقبالت شد حاکم شرع  
مجازات نماید به حکومت محل یا  
رابطه با شاهزاده که با آن پوزا نیک  
که بگذرد سده پنجم مرغی دریافت نمایند  
را تراشیده این آبادی آن آبادی  
قرن بیستم  
وضع گروماشا

بگسیون مراجعه کنید  
چون در مور این جلسه همین شده بود  
پیشنها دانی از طرف مجلس آقا بان راجع  
بندستور شده و بر حسب تقاضای آقای حاج  
میرزا مرتضی برای مطرح بودن قانون  
انتخابات رای گرفته تصویب شد  
شاهزاده محمدولی میرزا اظهار داشتند  
جدیدی قبل پیشنه‌های پناه‌های شاهزاده لفر  
از آقا بان قدیم شده تقاضا دارم قرائت شود  
پیشنهاد میرزا قرائت و مفاد آن این  
بود که بیلیخ پنج‌هزار تومانی که برای اعانه  
اهالی ارومیه در تجارتخانه طومانیان کفایت  
شده خویشتن برای رفع بچاری اهالی ارومیه  
بینه توقیفی تجارتخانه را با نظارت وزارت مالیه  
بفروش رسانیده و اعانه اهالی بالتمام کار سازی  
شود  
بگنیز از آقا بان با افتخار و محبت دلی مخالفت  
نمودند

آقای شیخ رئیس جوب اعتراضات آقای  
اقبال السلطان را داده و بالاخره اظهار داشتند  
که اگر در ظرف یک روز خانه پیدا کند  
از برای رعایا بهتر خواهد بود خواه آنکه  
چیز آنها را برای رای دادن بشهر آورده  
باشند یا بمحل خود آمده باشند در این موقع  
بکافی بودن مذاکرات رای گرفته تصویب شد  
آقای فتح الدوله - این ماده از برای  
ملاکین و اربابان بشمار خزینه است که رعایا  
را بزودی آورند بشهر و نرفته می‌گردند  
و اسامی ایشان را نوشته در صندوق می  
اندازند و فرد فرض کار خود را صورت  
می دهند و ابتدا مجال نفس کشیدی بان  
بدست ها نمی دهند که شاید منتهی شوند  
و بوسیله از دست آنها فراتر کنند بالاخره  
بمیدان من مثل سابق لا اقل باستانی سه  
روز بعد از اخذ لایحه رای می‌دهند  
آقای ملک‌الشعرا - بمیدان مآلین  
اجل بهرین مواد قانون انتخابات است  
چرا در نزد تمام ممالک منتهی به عظام  
این اصل مقرر و محترم و یافت سهولت  
کار خواهد بود و نتیجه سه مانع را  
سه روزه می‌گیریم و اساس تمدن این  
است که کارها سهل شود ما هم برای اینکه  
مدت انتخابات زیاد طول نکشد خوب است  
این ماده را قبول کنیم بقول آقای  
فتح الدوله همه اقطار مثل اصفهان رعایا  
را چیرا برای اخذ آراء بشهر نیاورده  
اند و همه بزور وکیل نشده اند و تمام  
آقایان هر یک اعتبارات نامیه اهالی ایشان  
از مجلس با کثرت آراء گذشته است  
بالاخره من مقصودم از این اظهار تهنیه  
آقای فتح الدوله بود البته انتخابات اصفهان  
هم صحیح بوده است وانی مقصود این  
است که رعایائی که در اطراف شهر در  
پنج شش فرسخ واقع اند در زمان و  
برف و سختی و غیره نتوانند پیش از نگی  
دو روز از نزاع و کار خود صرف نظر  
نموده و برای دادن رای بحق با من غیر  
حق خود در شهر بمانند و پیشتر این  
ماده برای رعایت حال ایشان وضع شده است  
بالاخره بکلیک اعتراضات وارده راجع باین  
ماده اجوابی گفتند

الاستورای ملی  
لایحه مذاکرات یوم یکشنبه ۱۶ صحت  
بسیار است آقای مؤمن الملک تشکیل  
ت جلسه یوم قبل قرائت و باین فقره  
تصویب گردید  
دو آقای رئیس برای تجدید اجازه  
بی تقویر آقای مساوات بواسطه امتداد  
کسالت ایشان که گسیون هم تصویب  
بود رای گرفته تصویب شد  
آقای شیخ اسدالله با این قبیل اجازه  
تالیف برده و بمیدان می‌باشند که شخص  
لیاقت از مجلس تقاضای مرخصی کند  
نقطه تصدیق طبیب از حضور در مجلس  
خواهد بود  
آقای رئیس - چون این عقیده مخالف  
مادمانه است اگر پیشنه‌های داشته باشند

ماده بیست و دوم قانون انتخابات قرائت شد  
و مختصر مذاکره بر اطراف آن شد چون مخالفی  
نبوده است بیست و دوم تصویب و چهارم قرائت  
و بیست و دوم از ماده بیست و پنجم دوباره  
بیست و ششم و بیست و هشتم قرائت گردید  
و مطالبات لازمه راجع بماده بیست و دوم  
و آقای اقبال السلطان باین روز نرفته دان  
ورای گرفتن مخالف بوده چرا که اولاً  
باعث پیش آمد بعضی اشکالات برای  
انجمن های نظار خواهد شد و نیز اعمال  
نفوذ های شخص هم در آن میشود و عقیده  
شان این بود که بگفته نرفته گرفته بوقتی  
دیگر اراء خود را نوشته در صندوق اندازند  
که تا درجه فکر کرده شاید از جهت نفوذ  
اشخاص فرار کرده نه اینکه بکلی سلب  
باعت از آنها شده بود و زواته در تحت  
نفوذ اربابان خود بشهر آمده فی الفور اخذ  
نرفته نموده اسم ارباب را بنویسند و در  
صندوق انداخته مراجعت کنند

آقای شیخ اسدالله با این قبیل اجازه  
تالیف برده و بمیدان می‌باشند که شخص  
لیاقت از مجلس تقاضای مرخصی کند  
نقطه تصدیق طبیب از حضور در مجلس  
خواهد بود  
آقای رئیس - چون این عقیده مخالف  
مادمانه است اگر پیشنه‌های داشته باشند

هر که اندر زندگی با بند بر تریاک شد  
زنده ناور در حساب او را حسابش بشکشد  
هر جوانی یک دو سال لب باین عذرت زد  
بیرشد فریوت شد مرد استخوانش شکشد  
بارها بیدم گزین سرما به ادا و دفتر  
کترین بی چیز و با نوت ترین ملک شد

فرمان مل - هیچ سفارش کردم بشما خوب خدمت کند که شما از او  
راضی باشید - (فتاحی و پنجه گدازها در خارج می‌شوند)  
قرابت ملی - (با خود) - ایلان بیک بلقی میرا این مرد خواهد آورد  
بیک چیز را خواهد زد و در اسروز خوب لقمه کیک آملی  
(بگنیز حال باقیه را نوری و گوله بازش را برای دفع شگفتی بزمین  
می‌گذارد  
قران علی - (پوشتم تیب می‌کرد) ماها تو عهد ما شمس میر حاج محمد  
رضا اوف اوف نوبی  
جمال چیرا ای داد و پیماناد (خیابان طولانی می‌باشد)  
قران علی - چرا این روز اتنادی بمرت که دا را ای آلف و اوف  
موان تجارت نگاه شما هم اوف اوف بود  
جمال - ای بابا... و نور دا نور دیگر چه بگویم داه سر می‌کنند  
آملک شوشی

پوشیدن کوی بی  
افسوس هر وقت قلم بر داشتیم از  
شرح پریشانی بسد بطنی خود چیزی  
نویسیم  
هر وقت خواستم خونابه دل را با  
توک قلم بر این صفحات جاری سازم هر  
وقت تراه های قلب مجروحم بیرون با  
سدای بلام توک قلم هم او از کرد  
و بالاخره هر وقت خواستم شرح  
اشدرده گی خود را تحریر کنم بقدری خاطره  
های هولناک از منظره ام قهور و در نظرم  
عرض اندام دارد که تمام مکتوبات قلمی  
خود را قراوش می‌کنم  
سپته می‌گردید که من تک آدم فریادکن  
افسوس صد افسوس  
مقدرات تاریک من با قلم شهاب بر  
چهره نیاگون طبیعت بدست تقدیر مرتسم  
شده است  
حسی مجروحیت فالهیدی خیالی مرا  
اذیت می‌کنند  
برای تسلیت خاطر افروزه - باز  
میخوا هم درد دل برود باشما امیدام چه

مظالم از بازیچه‌های فرمانفرما  
محمد ولی میرزا وکیل صالح  
شرح متصل حیرت آوری از طرف آقای امجد السلطانت با اسناد و  
مدارک صحیحی بداره رسیده و نظام نموده که شاهزاده مزبور بلخر  
در هزار تومانت طلب حقه بر اعدا من ارفع السلطان که از دولت بابت  
حقوق عقی بوده دریافت داشته و در همان موقع رادر من مقبول و احوال  
او غارت گردید قریب دو سال است که بدولت و پارلمان منظم بوده  
و جمعی از وکلای محترم میده دارا اصلاح این امر شده اند و تاکنون به  
هرچوجه در مقام استرداد طلب حقه ورته برادر من بر نیامده و با مرزو  
فردا می‌گذراند و چند نفر از وکلای محترم از قبیل شاهزاده سیامان میرزا  
و آقای کازرانی و آقای ممتدالتجار و آقای ناظم الدوله که در کار بوده اند  
و از قضیه مجوسی مطلع اند از حل مطالب عاجز گردیده اند و تقاضا نموده  
بنام ازادی مطبوعات دو احقاق حق ورته برادر مقبول او اولیاء دولت  
رانند که دهیم که بحال است آوز انما عطف بوجهی فرموده احقاق حق  
آنها را بتمایزند

و ما هم بواسطه ضیق صفحات مجالنا از درج عین مکتوب وانهاد  
و مدارکی که بخط و امضاء خود محمد ولی میرزا میباشد خود داری نموده  
بمدرات آیه موکول می‌داریم و همین طور اولیای دولت را تذکر میدهیم  
که بدون ملاحظه شاهزاده بودن و وکیل بودن بسو فرمائید برون تیبض  
در قانون روا نداشته احتیاق حق عظامین را فرمایند

علاقه مندان بدین معارف و بشارت  
کاز تاریخ دوم صحت (تدریس آسان) در تحت تعلیمات آقای اقاوان اقد معارفی  
شروع میشود و هر آدم بی سوادی که حتی خواندن (الف با) را هم نتواند بک نامه  
بالانوشیح کتورس که خود ایشان اختراع نموده اند فارسی آسان خواهد شد و هر کس مپول  
دارد بدین تحصیل اسان خود را بقرائت خانه ترفی کارگران معرفی نموده از بیم  
سایب بعد از ظهرالی دو ساعت بعد از ظهر بقبر از ایام تعطیل عمومی ایشان برای  
تدریس حاضرند استفاده نمایند - در خانه بمیدانست که در تحت تعلیمات این طرز  
جوانان حساس و علاقه مندان به معارف این همه بدبختها که از جهل و بی علمی ناشی  
میشود مرتفع سازیم - و شما تذکر بدهید که کلاس آکار شایه برای تحصیل  
الد - فرانسه - روسی - انگلیسی - دایر خواهد بود  
مدیر فراخوانه ترفی کارگران محمود - فهرز بخت

بگوریم چه بنویسیم - با چه زبان تقریر  
کنیم  
زیرا بقدری افساس من حساس  
شده  
بقدری قناعات روحی بدماغم زور  
آور کرده اند با اندازه احساسات تاریک  
دقیق مشاهدات روحی و معنوی مرا از فشار  
هولناک این حقی مسموم این جامعه فاسد  
از رات تاریک زنده می این زندگانی  
شرم آور تجدید میکند که حقیقه با کمال  
مپول از زوی مرگ دارم  
قاش بگوریم در گرداب مرگ در سپاه  
جال اینی و زنا فرورفته باین مرقومات و اطهارات  
و با اظهار این احساسات هم دل خوش  
نمی‌گورم  
برای اینکه این ضجه ها و ناله‌های  
مظلومانه بگوش جو با نان ما نمی‌رسد  
و این کوشندگان ساده این برادران  
غفات زده ام باین حرفها گوش نموده  
و از این استغافه و فریادها چیزی نفهمیده  
بخود نمی‌آیند  
راستی زبندگانی برای حیرت ما چه

بگوریم چه بنویسیم - با چه زبان تقریر  
کنیم  
زیرا بقدری افساس من حساس  
شده  
بقدری قناعات روحی بدماغم زور  
آور کرده اند با اندازه احساسات تاریک  
دقیق مشاهدات روحی و معنوی مرا از فشار  
هولناک این حقی مسموم این جامعه فاسد  
از رات تاریک زنده می این زندگانی  
شرم آور تجدید میکند که حقیقه با کمال  
مپول از زوی مرگ دارم  
قاش بگوریم در گرداب مرگ در سپاه  
جال اینی و زنا فرورفته باین مرقومات و اطهارات  
و با اظهار این احساسات هم دل خوش  
نمی‌گورم  
برای اینکه این ضجه ها و ناله‌های  
مظلومانه بگوش جو با نان ما نمی‌رسد  
و این کوشندگان ساده این برادران  
غفات زده ام باین حرفها گوش نموده  
و از این استغافه و فریادها چیزی نفهمیده  
بخود نمی‌آیند  
راستی زبندگانی برای حیرت ما چه